

# تاریخ جراید و مطبوعات استان سمنان

از آغاز تا ۱۳۹۰ شمسی

حمیدرضا نظری (حکمت)





**71** The Encyclopedia  
of Semnan  
Culture and Civilization



ISBN 978-964-246-223-0



9 789642 462230

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



خانه ملی اسناد و کتابخانه ملی

# تاریخ جراید و مطبوعات استان سمنان

از آغاز تا ۱۳۹۰ شمسی

حمیدرضا نظری (حکمت)



|                     |                                                                                  |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : نظری، حمیدرضا، ۱۳۴۴                                                            |
| عنوان و نام پدیدآور | : تاریخ جراید و مطبوعات استان سمنان، از آغاز تا ۱۳۹۰ شمسی / حمیدرضا نظری (حکمت). |
| مشخصات نشر          | : قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲                                                  |
| مشخصات ظاهری        | : ۴۰۰ ص                                                                          |
| شابک                | : ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۲۲۳-۰۰                                                 |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                           |
| موضوع               | : مطبوعات/ایران/سمنان/تاریخ                                                      |
| موضوع               | : روزنامه‌ها/ایران/سمنان/تاریخ                                                   |
| شناسه افزوده        | : حوزه هنری استان سمنان                                                          |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۲ ن ۹۶ الف / PN۵۴۴۹                                                         |
| رده‌بندی دیویی      | : ۰۷۹/۵۵۸۳۲۲                                                                     |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۳۲۲۴۶۰                                                                        |



### تاریخ جراید و مطبوعات استان سمنان

نویسنده: حمیدرضا نظری (حکمت)

تهیه کننده: حوزه هنری استان سمنان

ناظر پروژه: محمداسماعیل حاجی علیان

سرور استار: محمدرضا دربیگی نامقی

طراح جلد و صفحه‌آرا: مهدی قاسمی

چاپ سیهر / نوبت چاپ: اول / تاریخ چاپ: پائیز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۲۲۳-۰۰

انتشارات زمزم هدایت | آدرس ناشر: قم، خیابان شهید فاطمی، نبش فاطمی ۳، پلاک ۸۱

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۷۳۵ - همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۸۸۷

## فهرست

|     |                                                               |
|-----|---------------------------------------------------------------|
| ۷   | مقدمه حوزه هنری                                               |
| ۹   | مقدمه مولف                                                    |
|     | فصل اول:                                                      |
| ۱۵  | تبعید شدن مدیران جراید در سمنان و مطبوعاتی که هرگز منتشر نشد! |
|     | فصل دوم:                                                      |
| ۲۳  | اخبار استان سمنان در تاریخ مطبوعات ایران                      |
|     | فصل سوم:                                                      |
| ۵۱  | جراید و مطبوعات استان سمنان در دهه ۱۳۶۰-۱۳۵۰ ش                |
|     | فصل چهارم:                                                    |
| ۸۵  | پیروزی انقلاب اسلامی و نشریات سیاسی پس از آن در سمنان آن روز  |
|     | فصل پنجم:                                                     |
| ۹۱  | فصل نوبین در سیر مطبوعات استان سمنان                          |
|     | فصل ششم:                                                      |
| ۲۳۱ | مطبوعات استان سمنان و سالنامه‌های فرهنگی                      |
|     | فصل هفتم:                                                     |
| ۲۵۷ | نشریاتی بامدیران و سردبیران سمنانی (استان سمنان)              |
| ۲۵۹ | تکمله ای بر تاریخ مطبوعات استان سمنان                         |
|     | فصل هشتم:                                                     |
| ۳۰۳ | چهره‌ها و یادبودها                                            |
|     | فصل نهم:                                                      |
| ۳۳۷ | تصاویر و ضائم                                                 |
| ۳۷۹ | کتابنامه                                                      |
| ۳۸۵ | اعلام                                                         |



## مقدمه حوزه هنری

ضرورت شناخت دقیق پیشینه تاریخی و فرهنگ و تمدن استان پهناور سمنان

برکسی پوشیده نیست.

استانی که از گذشته‌های دور تاکنون همواره مهد ادیبان و عرفا و دانشمندانی بوده که تاثیر تفکر ایشان را می‌توان به وضوح در اقصی نقاط جهان مشاهده کرد. بی‌گمان در تاریخ این دیار کهن از یک سوی نام انسان‌هایی چون علاء الدوله سمنانی، بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی بر تارک ادبیات عرفانی ایران اسلامی آن چنان می‌درخشد که مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و در سراسر جهان طنین انداز شده است. و از دیگر سوی در تاریخ یک‌هزارساله شعر و ادب فارسی نام انسان‌هایی چون استاد سخن، قصیده‌سرای نامی منوچهری دامغانی، قطعه‌سرای بلندآوازه ابن‌یمین فرومدی و غزل‌سرایان نامدار فروغی بسطامی و یغیای جندقی از جایگاهی خاص برخوردار است.

در عالم فقه و فقاہت نیز انوار قدسی مرجعیت و زعامت جهان تشیع، از این استان تابیدن گرفته که از جمله می‌توان به حضرات آیات عظام حاج شیخ محمود شاهرودی مشهور به شیخ‌الفقه‌و‌العلما، علامه محمد صالح حائری، حاج شیخ یوسف خراسانی حائری، حاج ملاعلی سمنانی مشهور به حکیم الهی، محمد کاظم مهدوی دامغانی، محمدرضا فیض سرخه‌ای و محمد علی نجات قدس‌اله اسرارهم اشاره نمود که به راستی هر یک از این بزرگواران در دوره خویش چراغ راهی برای هم عصران خویش و الگویی عملی برای آیندگان به شمار می‌آمده‌اند.

استان سمنان به واسطه ویژگی‌های خاص جغرافیائی و اقلیمی، فرهنگی و هنری، تاریخی و اجتماعی همواره مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده و کتب فراوانی نیز در حوزه‌های مذکور به نگارش در آمده و به چاپ رسیده است، لیکن علیرغم همه تلاش‌های صورت گرفته، مطالعات جامع و منسجمی در زمینه فرهنگ و هنر و تمدن این خطه کهن و باستانی تاکنون انجام نشده است. لذا حوزه هنری استان با بهره‌گیری از پژوهشگران فرهیخته این سامان طرح تدوین «دانشنامه فرهنگ و تمدن استان» را با پیش‌بینی ۱۱۰ جلد کتاب وجهه همت خویش قرار داد تا با در نظر گرفتن اصولی از

جمله مرجع‌سازی پژوهش‌های فرهنگی هنری، پرهیز از پژوهش‌های تکراری، توجه به کیفیت و محتوای مناسب، خوشخوانی کتاب‌ها با رعایت تناسب حال مخاطب عام بویژه نسل جوان و بالاخره به قول اهل ادب پرهیز از ایجاز مُجَل و اطناب مُیَل، بسیاری از زوایای آشکار و پنهان استان را برای نسل حاضر و نسل‌های آینده تدوین و به همگان ارائه نماید.

بی‌تردید پژوهش‌های انجام شده بدون ایراد نیست لیکن به‌منظور کیفی‌تر شدن کارها هر کدام از آثار توسط سه تن از استادان و صاحب‌نظران مورد واکاوی و بازبینی قرار گرفته و کاستی‌های احتمالی توسط پژوهشگران مجدداً برطرف گردیده است. همچنین سر ویراستار محترم که خود از پژوهشگران نام‌آشنای این سرزمین هستند در دو بخش فنی - محتوایی و ادبی مطالب را مورد مذاقه قرار داده و در جهت یکسان‌سازی متون و بهره‌مندی بیشتر خوانندگان از کتب مذکور اهتمام ویژه‌ای، مبذول داشته‌اند که لازم می‌دانم مراتب قدرشناسی خود را از این بزرگواران اعلام نمایم.

در خاتمه از یکایک پژوهندگان گرانقدر و تمامی کسانی که در تهیه، تدوین و انتشار این کار سترگ همت گماشته‌اند و یاریگر همیشگی فعالیت‌های فرهنگی هنری و ادبی در استان بوده و خواهند بود و همچنین همکار ارجمند جناب آقای محمد اسماعیل حاجی‌علیان که صبورانه کار دانشنامه را بنحو شایسته‌ای پیگیری نموده‌اند سپاسگزاری نمایم. امید آنکه مجموعه آثار منتشره مورد رضایت حضرت دوست، چراغ راه آیندگان و مورد استفاده کلیه دانش‌پژوهان، محققان، اصحاب قلم، جوانان عزیز، عموم علاقمندان و مردم خوب و فهیم استان فرهنگی سمنان قرار گیرد.

سیدعباس دانائی

رئیس حوزه هنری استان سمنان

تابستان ۹۲



## مقدمه مولف

استان سمنان صرفنظر از اهمیت و موقعیت استراتژیک خاصی که از گذشته‌های دور داشته و همواره نه تنها به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب کشور که حتی به نوعی شمال و جنوب کشور را هم به یکدیگر مرتبط می‌ساخته است، از حیث سیاسی در تاریخ معاصر کشورمان برجسته بوده اما به دلایل بسیار آن‌طوری که باید مورد توجه محققین واقع نشده است! نمی‌توان از تاریخ معاصر و از تحولات سیاسی در دوره پهلوی اول سخن گفت اما یادی از کشته‌شدن نصرت‌ا... فیروز وزیر کابینه دولت رضاخان در سمنان نکرد. نمی‌شود از مطبوعات حرف زد اما به ماجرای شلاق خوردن و تبعید میرزا ابوالحسن خان صبا به سمنان اشاره‌ای نکرد. مدیر پرآوازه روزنامه ستاره ایران که در باغشاه تهران از رضا شاه سیلی خورد! یا حتی تبعید اسدا... رسا مدیر مسئول آزادی‌خواه و وطن‌پرست روزنامه قانون که در سال ۱۳۰۸ به سمنان تبعید می‌شود و در نهایت در زندان‌های مخوف آن دوران شکنجه شده و کشته می‌شود از موارد مهم تاریخ مطبوعات کشور است که آن‌طوری که باید پرداخته نشده است.

یا اینکه در جای دیگر از تاریخ معاصر می‌بینیم قوام السلطنه نخست وزیر وقتی برای انجام گرفتن مذاکرات مستقیم با دولت شوروی به آن کشور مسافرت کرد در جریان این سفر خبرگزاری شوروی درباره تخلیه ایران از نیروهای شوروی اعلامیه‌ای به شرح ذیل صادر کرد. روز ۲۵ فوریه ضمن مصاحبه با آقای قوام السلطنه نخست‌وزیر ایران تصمیم دولت شوروی به ایشان ابلاغ گردید. دایره بر اینکه از روز دوم مارس تخلیه قسمتی از نیروهای شوروی از نواحی ایران چون مشهد، شاهرود، سمنان واقع در خاور ایران که در آنجا آرامش نسبی برقرار است آغاز می‌شود اما نیروهای شوروی در سایر نواحی ایران تا روشن شدن اوضاع باقی می‌مانند که این مسئله موجب اعتراض مصدق و سخترانی او در مجلس می‌شود و مابقی قضایا که در تاریخ موجود است<sup>۱</sup> همه و همه حاکی از اهمیت و جایگاه سیاسی استان سمنان در آن دوران است. صرفنظر از مسئله فوق به اعتقاد نگارنده حتی بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که

کشور ما با خطر اشغال بیگانگان مواجه بوده باز هم سمنان و شاهرود و برخی دیگر از مناطق استان کانون فعالیت‌های احزاب سیاسی و چپ و توده بوده و بسیاری از عناوین مطبوعات که در خلال تدوین تاریخ مطبوعات استان به آنها اشاره می‌گردد در همین سال‌ها در استان سمنان منتشر شده‌اند که برای نخستین بار به آنها اشاره می‌گردد. مطبوعاتی مانند حربه، چهره شرقی، فروزان و برخی مطبوعات دیگر که خوانندگان با آنها آشنا خواهند شد. ماجرای کشته شدن ۵ نفر در جریان درگیری کارخانه ریسمن‌ریسی سمنان که در مطبوعات آن سال‌ها مانند صدای سمنان بازتاب داشته و بسیاری وقایع دیگر ما را ناگزیر از توجه به این بخش از تاریخ معاصر می‌نماید. ۲۰ حتی تبعید مرحوم علامه سمنانی در سال ۱۳۱۸ به سمنان پس از آن سخنرانی آتشین که در سخن معروف گفت هر که با قرآن مخالفت کند کافر است ولو رضاشاه باشد از جریان‌های سیاسی مهم آن روزهاست که می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد در این نوشتار بدان پرداخته نشده است.

همان‌گونه که در سطور اولیه اشاره شد استان سمنان که یکی از مراکز مهم فرهنگی کشور محسوب می‌شود در طول تاریخ دویست ساله اخیر از این شانس برخوردار بوده که از جریانات سیاسی و اجتماعی مرکز متأثر باشد این مسئله بالتبع خود بسیاری از نشریات و روزنامه‌های سراسری را به سمنان و یا دیگر شهرها می‌رسانده و این در حالی بوده است که دیگر شهرها مانند زاهدان یا شهرکرد و یا برخی شهرهای دیگر به خاطر بعد مسافت از تهران از نعمت برخورداری مطبوعات محروم باشند.

نگارنده معتقد است استان سمنان از حیث تاریخی و فرهنگی در برترین جایگاه‌ها قرار داشته و قدمت چندین هزارساله استان سمنان همواره این استان را از حیث فرهنگی در رتبه‌های نخست قرار داده است.

ما اگر حتی نگاهی اجمالی بر سیر و روند تاریخ مطبوعات داشته باشیم به خوبی در خواهیم یافت استان سمنان به خاطر قرار گرفتن در موقعیتی خاص از حیث جغرافیایی مورد توجه صاحب‌منصبان حکومتی نیز بوده است. البته شاید این مسئله چندان مورد توجه ما نباشد اما از این جهت که گاهی در مسیر رفت و برگشت و یا محل عبور کاروان‌های سیاسی و حکومتی بوده به اندازه‌ای که حتی محل استقرار و یا استراحت

---

۲- گفتگوی نگارنده با شعبانعلی شجاعی در تاریخ ۹۱/۴/۱۹ و صدای سمنان ۱۳ شهریور ۱۳۳۱

قرار گرفته مورد توجه واقع شده است، حال بماند از اینکه گاهی حرکت‌های افرادی چون مرحوم سیف آزاد<sup>۳</sup> که بعدها به عنوان مدیر روزنامه ایران باستان شناخته شد بخشی از تاریخ مطبوعات کشور را اشغال کرده و توانسته تأثیر به سزایی بر جریانات فرهنگی و سیاسی کشور داشته باشد.

طرح این مسائل لزوماً به معنای تأیید آنها و یا رد کردن به طور مطلق نیست بلکه از این جهت است که آگاهی ما از این اتفاقات در روشن ساختن بخشی از ناگفته‌های تاریخ کشور آن هم برای نخستین بار ما را در دست‌یابی به اهداف پژوهش‌یاری خواهد کرد، و از طرفی بر اهمیت این پژوهش و موقعیت استان خواهد افزود.

بسیاری از محققان گمان می‌کردند نخستین روزنامه و یا نشریه در استان سمنان «صدای سمنان» نشریه‌ای به مدیر مسئولی مرحوم غلامعلی رحیمیان بوده که در سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۳۰ ه. ش در سمنان منتشر شده است در حالی که با این تحقیق روشن خواهد شد نه تنها صدای سمنان و یا برخی نشریات پیش از آن، بلکه مبدأ تاریخی رویدادهای مطبوعاتی در استان سمنان را باید چاپ روزنامه «اردوی همایون» دانست که این مسئله در جای خود مفصل تشریح خواهد شد.

نگارنده بر این نکته تأکید می‌ورزد که تاکنون هیچ یک از مراکز رسمی و یا غیررسمی و یا حتی توسط افراد حقیقی و حقوقی در رابطه با تاریخ مطبوعات تحقیقی انجام نگرفته است و اگر اطلاعاتی در جایی وجود دارد برگرفته از تحقیقات نگارنده است.

نگارنده به اقتضای شغل و مسئولیت خویش در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سمنان برای نخستین بار در سال ۷۹ تحقیق کوتاه و محملی را در رابطه با تاریخ مطبوعات استان به انجام رسانید که در نشریه وزین کویر<sup>۴</sup> چاپ و منتشر شده و پس از آن چکیده و تلخیص شده تحقیق مزبور در دانشنامه جهان اسلام ج ۵ در سال ۸۵ چاپ و منتشر گردید.<sup>۵</sup>

۳- مرحوم عبدالرحمن سیف آزاد (۱۳۵۰ - ۱۲۶۱ ه. ش) - مدیر روزنامه ایران باستان که متولد دامغان بوده است.

۴- نشریه کویر - سه شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۹ - تأملی گذرا بر پیشینه مطبوعات استان سمنان از گذشته تا کنون - ص

۵- به همین قلم

۵- دانشنامه جهان اسلام - زیر نظر غلامعلی حداد عادل - تهران - ۱۳۸۵ - ص ۲۷ دایره المعارف چاپ بنیاد (به همین قلم)

نگارنده اذعان دارد که آن پژوهش‌ها هرگز کامل نبوده و حتی می‌توان گفت این پژوهش نیز شاید کامل و جامع نباشد! اما در این مسئله نمی‌توان تردید داشت که این تحقیق منحصر به فرد بوده و اکنون که به لطف رئیس محترم حوزه هنری استان سمنان و همکاران گرامی ایشان این پژوهش تهیه و تدوین گردیده و برای نخستین بار به زیور طبع آراسته می‌گردد، بسیاری از ناگفته‌های تاریخ مطبوعات استان سمنان و جریانات و اتفاقات و رویدادهای مطبوعاتی استان بازخوانی و به اهالی فکر و قلم فرهنگ ارائه می‌گردد.

اما این پژوهش:

نگارنده برای تهیه و تدوین تاریخ مطبوعات استان تلاش‌های زیادی نموده و رنج‌های زیادی را متحمل شده است. چه بسیار افرادی که حاضر به ارائه اطلاعات به خاطر مسایل به زعم خودشان سیاسی نبودند، چه بسیاری از مسئولین فرهنگی برخی مراکز که حتی حاضر به تحویل کتاب امانی هم نبودند! نگارنده حتی در برخی موارد با بی‌مهری‌هایی از طرف برخی متولیان امور مواجه شده اما از کار خویش دست نکشید تا به مقصود رسید.

اگرچه شاید در کارهای پژوهشی شایسته نباشد که از قطع و یقین حرف زد، اما نگارنده مطمئن است با این پژوهش نه تنها بسیاری از باورهای محققان در رابطه با مطبوعات تغییر خواهد کرد، چه بسا با این پژوهش ناچیز بسیاری از نقطه‌های مبهم تاریخ اجتماعی و سیاسی استان روشن خواهد شد. چه بسیار نشریاتی که در استان سمنان منتشر شده‌اند که اکنون هیچ نشانی از آنها نیست جز یک نام که در گوشه‌ای از کتاب یا منبعی قدیمی ذکری از آن رفته است.

این اثر پژوهشی و مطالعاتی براساس سه محور ذیل انجام شده است.

۱- مطالعه و بازخوانی کتاب‌ها و برخی منابع و مآخذ پژوهشی مطبوعات کشور که به طرق مختلف در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

۲- مراجعه مستقیم به نشریات قدیم و جدید و یا حتی تصاویر نشریات که احیاناً موجود بوده است.

۳- گفتگو با افرادی که در گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه پیش کسوتان عرصه مطبوعات یا صاحب‌نظران فرهنگی و هنری که در انتشار نشریات نقشی داشته‌اند.

ما در استان سمنان در مجموع با چند نوع نشریه یا مطبوعات سر و کار داریم، که در ابتدا بهتر است قبل از شروع بحث به آنها پرداخته شود.

۱- ابتدا نشریاتی که از مراجع رسمی و قانونی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا وزارت ارشاد ملی گذشته یا اداره مطبوعات و جهانگردی و یا اداره انطباعات مجوز اخذ کرده و نسبت به انتشار آنها اقدام نموده اند.

۲- دسته ای دیگر نشریات یا مطبوعاتی هستند که بدون اخذ مجوزهای لازم و قانونی منتشر شده و پس از مدتی از انتشار بازایستاده اند و یا حتی هنوز منتشر می شوند!

۳- دسته ای دیگر از نشریات، نشریات یا روزنامه هایی هستند که به اقتضای فضای سیاسی حاکم بر جامعه هر دوره برای مدتی کوتاه یا به عرصه سیاسی و اجتماعی گذارده و پس از مدتی متوقف شده اند.

۴- دسته ای دیگر از نشریات، مطبوعاتی هستند که مدیر مسئول یا صاحب امتیاز آنها و یا سردبیران اجرایی آنها از چهره های فرهنگی بومی این استان بوده، اما حوزه ی انتشار آنها لزوماً استان سمنان نبوده است.

۵- دسته ای دیگر از نشریات، نشریاتی هستند که به صورت داخلی بوده و برای جمع محدودی از مخاطبان منتشر شده اند. مانند برخی نشریات داخلی ادارات و دستگاه های اجرایی و یا حتی برخی نشریات دانشجویی که به آنها دسترسی بوده است.

و در پایان تا آن جا که امکان داشته و مقدور بوده سعی کرده ایم تمام نشریاتی را که مطرح شده اند معرفی نمائیم اما در جایی که امکان دسترسی بدانها وجود نداشته با ذکر منبع پژوهش، نشریه مطروحه را ولو در حد طرح یک نام معرفی کرده ایم.

مبدأ نگارش این پژوهش زمان و تاریخ انتشار مطبوعات بوده که حتی الامکان سعی شده حتی اگر نشریه ای مورد رؤیت نگارنده واقع نشده، عنوان نشریه در این پژوهش قید گردد.

نکته دیگری که یادآوری آن ضروری به نظر می رسد این است که نگارنده از هر نشریه رسمی و غیر رسمی که در استان منتشر شده است نام برده و حتی الامکان عنوان و تاریخ انتشار و دیگر مشخصات روشن جریده مربوطه را قید کرده است. حتی نشریاتی که موفق به اخذ مجوز شده اما منتشر نشده اند در این پژوهش قید شده اند.

نگارنده در پایان این بخش مراتب سپاس قلبی خویش را از کلیه کسانی که او را

در تهیه و تدوین این پژوهش یاری کرده‌اند اعلام می‌دارد. امید می‌رود مقبول طبع بلند اهالی فرهیخته دیار کهن قومس (استان سمنان) واقع گردد. از دوست ارجمند جناب آقای سیدعباس دانایی رئیس محترم حوزه هنری استان سمنان کمال سپاس و امتنان را دارم که با حمایت‌های ایشان این پژوهش جامه عمل پوشید.

از استاد ارجمند جناب آقای خسرو عندلیب (گویا) بسیار سپاسگزارم که با راهنمایی ایشان و اطلاعات ارزشمندشان این تحقیق انجام شد. ۶ نگارنده در کمال تواضع و فروتنی نقص‌های موجود این پژوهش را می‌پذیرد و امیدوار است این پژوهش حسن آغاز روشنی باشد برای پژوهش‌های آتی در این عرصه، و نیز امید دارد انجام چنین پژوهش‌هایی زمینه‌های رشد و توسعه فرهنگی استان سمنان را فراهم نماید.

خدایا چنان کن سرانجام کار  
تو خشنود باشی مارستگار  
حمیدرضا نظری (حکمت)

---

۶- متأسفانه در روزهایی که کار تدوین نهایی طرح انجام می‌شد استاد خسرو عندلیب که بسیار مشتاق بود تا این اثر را ملاحظه نموده و نظر ارزشمند خویش را ارائه نماید در کمال ناباوری نگارنده در تاریخ دوم شهریور ۱۳۹۱ در حین مطالعه روزنامه و در سالگرد تولد خویش به دیار ابدیت شتافت. روحش شاد



فصل اول

تبعید شدن مدیران جراید در سمنان  
و مطبوعات که هرگز منتشر نشد!





## اشاره:

نگارنده در خلال کار تحقیقاتی خویش با برخی از عناوین نشریاتی مواجه گردیده که مدیران جراید یا مجلات آن دوران به دلایل سیاسی به سمنان تبعید شده‌اند و یا حتی برخی از آنان مانند میرزا حسین خان صبا مدیر ستاره ایران نه تنها سیلی می‌خورد که توسط رضاشاه شلاق خورده و به سمنان تبعید می‌شود. اما این که پس از چند سال از سمنان متقاضی صدور مجوز انتشار ستاره ایران می‌شود شاید برای برخی محققین جالب توجه باشد و یا شاید برای برخی از علاقه‌مندان تاریخ مطبوعات استان سمنان مورد توجه باشد که بدانند اهالی فرهیخته این استان که در دیگر نقاط کشور ساکن بوده و از اعتبار خاصی برخوردار بودند متقاضی انتشار نشریاتی می‌گردند اما موفق به انتشار این نشریات نمی‌شوند. برای این که محققین عزیز از این بخش‌های تاریخی فرهنگی استان که تاکنون مغفول مانده و بدان اشاره نشده آگاه شوند دعوت می‌شود سطور زیر را بخوانند.

## ستاره ایران (۱۲۹۴ ه. ش)

نگارنده به این خاطر به روزنامه اشاره می‌کند که مدیر مسئول روزنامه در سمنان حبس و تبعید می‌گردد. و بقیه ماجراهایی که بر سر این روزنامه می‌رود. نشریه ستاره ایران از روزنامه‌های سیاسی عصر رضاشاه بوده که در آن زمان سر و صدای زیادی به پا کرد. این روزنامه ارگان تشکیلات دموکرات‌های ضد حکومتی و هواه خواه جمهوری بوده است. مدیر مسئول نشریه میرزا حسین خان صبا مشهور به کمال السلطان بوده و سردبیر نشریه شیخ علی دشتی است. این نشریه به دستور رضاشاه توقیف شده و مدیر نشریه در باغشاه تهران توسط رضاخان سیلی محکمی خورده و به سمنان تبعید می‌شود. البته در تاریخ گفته شده حتی شلاق هم خورده است! نگارنده درخواست میرزا حسین خان صبا را که در کتاب اسناد مطبوعات آمده است یافته است به نظر می‌رسد با توجه به درخواست مدیر مسئول نشریه و تاریخ درج

شده در صدر نامه میرزا حسین خان صبا پس از گذراندن مدت حبس و تبعید خود در سمنان که ظاهراً ۵ سال بوده اقدام به ارسال و تلگراف نامه به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه آن زمان می نماید. متن میرزا حسین خان صبا به شرح ذیل است:

«وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سواد مراسله میرزا حسین صبا، به تاریخ دوم قوس ۹۹ - (دوم آذر ۱۲۹۹)

مقام منبع وزارت جلیله داخله معارف و اوقاف دامت عظمته تقاضا می کند اجازه طبع و انتشار جریده های ستاره ایران را تلگرافاً به این بنده محابره فرمایند که به منزله برات آزادی این بنده از حبس و تبعید سمنان است و چون افتتاح مجلس شورای ملی نزدیک شده، مانعی برای صدور این اجازه در پیش نیست این بنده نیز تعهد می کنم که رعایت قوانین اساسی و قانون مطبوعات را نموده، طرفدار عظمت و سعادت ایران باشم. میرزا حسین خان صبا - مدیر ستاره ایران - سواد مطابق اصل است مهر اداره کابینه ۸»

بنابر آنچه که از سوابق اسناد تاریخی هویدا است نه تنها میرزا حسین خان صبا که حتی پسر آن مرحوم میرزا علی اصغر خان صبا موفق به اخذ مجوز انتشار نشریه ستاره ایران نمی گردد. که در نهایت مجبور به واگذاری امتیاز روزنامه ستاره ایران به شخص ثالثی می گردند که نامه ها و مکاتبات مزبور در کتاب فوق موجود می باشد. ۹.

### آزادی (۱۲۹۷ ه. ش.)

در کتاب اسناد مطبوعات که مجموعه اسناد مطبوعات سال های ۱۲۸۶ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی را منتشر کرده است فردی به نام صدرالادبا یزدی ۱۰ در تاریخ ۱۷ رجب ۱۳۳۶ ه.ق با اشاره به سوابق خدمتی خود که در شهرداری اصفهان، سمنان و شاهرود و دامغان داشته و حتی گواهی و تصدیق امیراعظم و مسئولین محلی را دارد متقاضی انتشار روزنامه ای به نام «آزادی یا ارمغان» شده است. نامبرده در پایان نامه خود تصریح کرده که با هیچ کس در تهران رابطه ای نداشته و صرفاً به خاطر میهن پرستی و آزادی خواهی متقاضی انتشار نشریه شده است و حتی وساطت نماینده معارف سمنان و دامغان را مورد تأکید قرار داده و گفته است که به گمنامی او نگاه نکرده و طبق قانون ۸- اسناد مطبوعات ایران (۱۳۳۰ - ۱۲۸۶ ش) به کوشش کاوه بیات - مسعود کوهستانی نژاد ص ۲۷ و ۲۸

۹- همان - ص ۳۱ و ۳۰

۱۰- این فرد باید همان عبدالله یاسایی پدر مسعود یاسایی مدیرمسئول نشریه دامغان باشد.

اساسی به وی امتیاز روزنامه فوق را بدهند! که در نهایت در حاشیه نامه آمده است به عرض حضرت وزیر رسانیده، فرمودند: عجالتاً هیئت دولت تصمیمی در باب جرائد نگرفته است و بنابراین اجازه صادر نخواهد شد. ۱۱

از محتوای نامه پیدا بوده که اولاً اعطای مجوز روزنامه با نظر هیأت دولت بوده و ثانیاً برای انتشار نشریه می‌بایست شخصی واسطه و یا معرف متقاضی روزنامه باشد تا این مجوز داده شود اما با این حال مجوز مربوطه به فرد متقاضی داده نشده است.

### یغما (۱۳۰۱ ه.ش)

در کتاب اسناد مطبوعات که حاوی تصاویر اسناد مطبوعاتی مربوط به سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۳۲۰ هجری می‌باشد تصویر سندی وجود دارد مبنی بر اینکه فردی به نام میرزا عبدالحسین متخلص و مشهور به ادیب الامراء یغمایی در سن سی و دو سالگی متقاضی انتشار روزنامه‌ای به نام یغما شده است و متذکر گردیده در صورتی که چنین عنوانی برای نشریه یا روزنامه‌ای وجود دارد روزنامه فوق به عنوان فردوسی باشد. انعکاس بخش‌های نخستین این نامه که حاوی اطلاعاتی راجع به فرد مزبور بوده و اشاراتی به سوابق خدمتی خود در شاهرود داشته شاید برای علاقه‌مندان به تاریخ منطقه جالب و خواندنی باشد. توجه به محتوای نامه ما را از کم و کیف فضای آن زمان آگاه خواهد ساخت. بدیهی است تصویر نامه فوق و نامه موافقت اداره اوقاف آن زمان در بخش پایانی کتاب گراور شده ارائه می‌گردد. حال نامه فوق که به شرح ذیل تقدیم می‌شود.

یزد - گل بهار

یغمایی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره ایالتی خراسان و سیستان سواد تقاضانامه میرزا عبدالحسین ادیب یغمایی، نمره ۴۱۵ برج جوزا (خرداد) ۱۳۰۱  
 بعدالعنوان. اینجانب میرزا عبدالحسین متخلص و مشهور به ادیب الامراء یغمایی که سی و دو سال از عمرم به پایان رفته اصلاً اصل جندق و بیابانک، نسباً مربوط به

۱۱- اسناد مطبوعات ایران - به کوشش کاوه بیات - مسعود کوهستانی نژاد - (۱۳۲۰ - ۱۲۸۶ ه.ش) - جلد اول - ص ۳۱ - ۳۰

یغمانی شاعر معروف، مدتی در مشهد و سبزوار به تحصیل علوم قدیمه و چندی در تهران به تعلم معلومات جدیده اشتغال داشته اخیراً هم چهارسال در شاهرود در مدرسه ایتم اعظمیه سمت معلمی ادبیات داشتیم. اینک در صدد برآمده‌ام امتیاز روزنامه به اسم یغما و چنانچه سابقاً به دیگری داده شده باشد به اسم فردوسی تحصیل نموده، بلکه از این راه بیش از پیش موفق به خدمات معارف گردم در ضمن توضیحات ذیل را برعهده گرفته خود را مجبور به مراعات نمایم. روزنامه خود را ارگان هیچ فکر شخصی یا خارجی قرار نداده از روی اصول افکار صنوف صالحه با مراعات در اصل مهم استقلال نام ایران در سایه حکومت ملی اتحاد اسلام اتفاق ملل شرق با داشتن جنبه سیاسی، اقتصادی، ادبی با قطعی مطلوب به طور هفتگی در مشهد انتشار خواهم داد. ۱۲

توجه به این نامه چند نکته را روشن خواهد کرد. نکته اول اینکه حال و هوای آن زمان یعنی حدود ۹۰ سال پیش از این تاریخ روشن کرده و نحوه نگارش نامه و سبک و سیاق ادبی مکاتبات اداری آن سال‌ها را ارائه خواهد شد. نکته دیگر اینکه صدور مجوز مطبوعات در حوزه اختیارات اداره اوقاف و صنایع مستظرفه بوده و بعدها این دو از یکدیگر تفکیک شده‌اند، دیگر آنکه با توجه به محتوای نامه و عنوان مطروحه به نظر می‌رسد استان یزد فعلی و سیستان آن روز مربوط به حوزه جغرافیایی استان خراسان بوده است.

## زبان دهقان (۱۳۰۱ ه. ش.)

در ۸ رمضان سال ۱۳۴۰ هجری قمری فردی به نام حاجی محمدحسن شاهرودی و پسران (قزوین) که علی‌الظاهر آدم بسیار سرشناسی بوده در شهر قزوین متقاضی انتشار نشریه‌ای به عنوان زبان دهقان می‌گردد. وی در این تقاضا نامه مسلک روزنامه را طرفداری استقلال ایران، مدافعه از حقوق زارعین، انتشار مقالات علمی فلاحی به طرز جدید، تبلیغات جدی به توسعه معارف دانسته است. ذیل نامه را باقر شاهرودی که ظاهراً پسر حاج محمدحسن شاهرودی بوده امضاء کرده است. وزارت معارف و اوقاف آن زمان علی‌رغم اینکه فرد مزبور را تأیید کرده و مراتب خدمات شایان نامبرده را تمجید نموده است وزیر وقت که علی‌الظاهر علی‌اکبر داور بوده با نگارش نامه‌ای به

۱۲- اسناد مطبوعات (۱۳۲۰- ۱۲۸۶ ه. ش.) به کوشش کاوه بیات - مسعود کوهستانی نژاد - ص ۵۱۳.

نصیرالسلطنه نماینده مجلس شورای ملی، با اشاره به نامه باقر شاهرودی، اعلام داشته اجازه صدور امتیاز جریده به احدی داده نخواهد شد و این از طرف هیئت وزراء عظام است. او انتشار آن را منوط به تقاضای مجدد در زمانی دیگر نموده است. ۱۳

توجه به نامه فوق این مسئله را روشن می کند که اولاً فرهیختگان بومی استان سمنان در هر نقطه ای از ایران که بوده اند منشأ خدمات فرهنگی بوده و علی رغم صداقت، درستکاری و شهرت موفق به کسب امتیاز نشریه از حکومت رضاخان نشده اند و نکته دیگر اینکه اشتغال یک فرد معتمد خوش نام شاهرودی در تجارت و کسب و کار مانع از خدمت در عرصه فرهنگی نبوده و این از ویژگی های نیروهای خوش فکر این منطقه می باشد.

---

۱۳- اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰- ۱۲۸۶ ه. ش) به کوشش کاوه بیات - مسعود کوهستانی نژاد - جلد اول - صص ۵۸۰-۵۷۹